

مادر مبارز انقلاب اسلامی

بانویی که اسوه مقاومت بود و در خاطره‌ها ماند

بانو مرضیه حدیدچی معروف به دباغ در سال ۱۳۱۸ در خانواده‌ای مذهبی و فرهنگی در شهر همدان متولد و رشد کرد. او تحصیلات خود را در مکتب‌خانه آغاز کرد و از معلومات پدرش که فردی فاضل و معلم اخلاق در محافل مذهبی بود، در یادگیری قرآن و نهج البلاغه بهره فراوان برد. خانم دباغ در حالی به تحصیل ادامه می‌داد و به فعالیت‌های سیاسی مبادرت داشت که در کنار تحصیل، مادر هشت فرزند بود.

فعالیت‌ها و حرکت‌های سیاسی دباغ با ورود به تشکیلاتی زیر نظر شهید سعیدی شدت یافت. هم‌چنین در این دوره، با دانشجویان مبارز دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، صنعتی شریف و علم و صنعت همکاری و تعامل داشت. او در سال ۱۳۵۳ و پس از دو بار بازداشت به دست ساواک، با کمک گذرنامه جعلی از کشور خارج شد. او و دخترش، رضوانه میرزا دباغ، در خاطر ایشان از زندان به شکنجه‌های شدید ساواک اشاره کرده‌اند: «شکنجه‌ها با سیلی و توهین، به تدریج با شلاق، باتوم و فحاشی جان فرسا شروع شد. چند بار دست و پایم را به صندلی بستند و مهار کردند. کلاهی آهنی یا مسی بر سرم گذاشتند. بعد، جریان الکتریسیته با ولتاژهای متفاوت به بدنم وارد می‌کردند که موجب رعشه و تکان‌های تند پیکرم می‌شد. شلاق و باتوم کار متداوم و هر روز بود که گاهی به شکل عادی و گاهی حرفه‌ای صورت می‌گرفت. در مواقع حرفه‌ای، آن قدر شلاق بر کف پاهایم می‌زدند که از هوش می‌رفتم. بعد، با پاشیدن آب، هوشیارم می‌کردند و مجبورم می‌کردند راه بروم که پاهایم ورم نکنند. دردی که در اثر این کار بر وجودم مستولی می‌شد، طاقت فرسا و جان‌کاه بود.»

ساواک که از زنده ماندن او ناامید شده بود، او را آزاد کرد تا مرگش طبیعی جلوه کند اما دباغ پس از جراحی و درمان، به خارج از کشور رفت. این بانوی مبارز در فرانسه و انگلیس در اعتصاب غذایی برای آزادی زندانیان سیاسی ایرانی شرکت کرد. مرحوم مرضیه دباغ پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کشور بازگشت و در بسیاری از امور شامل فرماندهی سپاه همدان (غرب کشور) قرار گرفت.

او مفتخر شد یکی از سه سفیر حضرت امام (ره) برای ابلاغ نامه تاریخی به گورباچف، رئیس‌جمهور اتحادیه

جماهیر شوروی، باشد.

بانو دباغ از مبارزان

پیش‌گام انقلاب اسلامی

۲۷ آبان سال ۹۵ پس از

گذراندن دوره بیماری، در

بیمارستان خاتم‌الأنبیاء (ص)

دارفانی را وداع گفت.



زنان در قیامی اثرگذار

نگاهی به کتاب «یک روز آزادی زن»

کتاب «روز آزادی زن» تاریخ شفاهی اولین راهپیمایی و تظاهرات زنان در جریان انقلاب اسلامی و قیام ۱۷ دی ۱۳۵۶ در مشهد است. این کتاب قیام ۱۷ دی زنان مشهد را روایت می‌کند و شامل هشت فصل است: «رهای از بند»، «قیام علیه طاغوت»، «کوچه‌های بن‌بست»، «زندان زنان»، «تلاش برای آزادی»، «پژواک صدای زنان»، «ضمائم» و «اسناد و تصاویر».

«روز آزادی زن» به کوشش خانم‌ها سمیه ذوالفقاری، ندادت کرمنجه و ملیحه بخشی‌نژاد تحقیق و گردآوری شده که نشر «راه‌یار» با حجم ۱۸۵ صفحه راهی بازار کتاب کرده است. در ابتدای کتاب، با اتوبوس‌آبی رنگ شهربانی همراه می‌شویم که جلودر آهنی بزرگ زندان زنان نگه می‌دارد و بیست و چند زن چادری از اتوبوس پیاده می‌شوند. این فصل، دستگیری این زنان در تظاهرات و ورود آن‌ها به بند عمومی زندان زنان مشهد را به تصویر می‌کشد. فصل سوم، «روز آزادی زن»، روایت کوچه‌های بن‌بستی است که تظاهرکنندگان پس از راهپیمایی در آن‌ها دری می‌یافتن محلی برای پناه گرفتن هستند. فصل چهارم به توصیف زنان زندانی می‌پردازد و ترس‌ها، نگرانی‌ها و شرایط زنان در زندان را شرح می‌دهد. فصل هفتم با عنوان ضمیمه نخست کتاب، به معرفی راویان کتاب می‌پردازد. فصل هشتم کتاب نیز دارای اسناد و تصاویری مرتبط با موضوع کتاب است. اهمیت راهپیمایی ۱۷ دی زنان مشهد در دل خفقان سیاسی و فرهنگی دوران پهلوی، به‌اضافه نگرانی برای از دست رفتن اطلاعات در گذر زمان، باعث شد بخش تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی برسی پروژه «قیام ۱۷ دی ۱۳۵۶ زنان مشهد» را آغاز کند. هم‌چنین رهبر معظم انقلاب سال ۱۳۸۶ درباره این واقعه و اهمیت آن فرمودند: «در دی‌ماه ۱۳۵۶، روز

هفدهم دی‌ماه در مشهد، یک

اجتماع عظیمی، تظاهراتی

از زنان مسلمان با شعار

«حفظ حجاب» راه

افتاد. ما آن وقت در

تبعید بودیم. خبر آن را

شنیدیم که زنان مؤمن

و مسلمان و شجاع

چنین حرکتی را به راه

انداخته‌اند.»



یک روز آزادی زن

• تدوین و نگارش: سمیه ذوقی

چه تصویری از زنان چادری در سینما ارائه داده ایم؟

یکی از مجریان با مدل متفاوت چادرش و استفاده از رنگ‌های متنوع و شاد همراه با چادر این الگوسازی را ایجاد کرد. پس آن مجری‌ها و دختران جوانی به سمت تقلید از نوع پوشش آزاده نامداری تمایل پیدا کردند. این مصداق‌ها می‌تواند جدای مثبت یا منفی بودن آن، اهمیت الگوسازی رسانه‌ای در انتخاب و مدل پوشش باشد. اما با نگاهی به آثار سینمایی متأسفانه در بسیاری از آثار، زنان چادری داستان با تیپ‌های شخصیتی‌ای همراه هستند که مخاطب را پس می‌زنند. مثلاً مادر علی‌سنتوری در فیلم یک خانم جلسه‌ای چادری است اما با فرزندش ارتباط خوبی ندارد. در فیلم «عرق سرد» سحر دولتشاهی سرپرست تیم فوتسال زنان است که برخورد‌های خشن و افراطی با بازیکنان دختر دارد. «در کوچه بی‌نام» مادری دخترش را درک نمی‌کند اما چادری و اهل روضه و مسجد و ... است و در نگاه کلی در بسیاری از آثار سینمایی متأسفانه چادر در زندان، زنان طبقه پایین یا فقیر، در مراسم عزاداری و ... کارکرد پیدا می‌کند. بنابراین با مرور چنین بازنمایی از زنان چادری در سینما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که الگوسازی موفق‌تری در رسانه از زنان چادری ارائه شده است. این در حالی است که نمی‌توان از آثار موفق‌تری مانند «ویلاهی‌ها» اثر

سینما و تلویزیون به دلیل ارتباط تنگاتنگ با مخاطبان به راحتی می‌تواند تأثیرات فرهنگی، نگرشی و حتی تغییرات بنیادین در سبک زندگی را به تدریج ایجاد کند. اگر بپذیریم تأثیر جامعه و سینما و تلویزیون تأثیری متقابل است به این معنا که هم آثار سینمایی و تلویزیونی آینه وقایع، شخصیت‌ها و رویدادهای جامعه هستند و هم از سویی دیگر می‌توانند تقویت‌کننده یا ایجادکننده الگوهای فرهنگی و اجتماعی میان مردم باشند، توجه به برخی مسائل جدی‌تر می‌شود. یکی از مسائلی که در چند دهه اخیر مورد تأمل و توجه بیشتری قرار گرفته است، پوشش زنان در آثار سینمایی و تلویزیونی است، پوششی که نه تنها مورد تأیید شرع بلکه با عرف جامعه نیز همراه باشد. در این نوشتار اگر دقیق‌تر بخواهیم این پوشش را در مورد حجاب برتر و بازنمایی زنان چادری در سینمای ایران مورد بررسی قرار دهیم به نکات درخور تأملی می‌رسیم. شاید اغلب دهه‌شصتی‌ها و دهه‌های قبل‌تر سریال «در پناه تو» را به یاد داشته باشند. لعل زنگنه در نقش مریم افشار با حجاب چادر و مدلی که برای نگهداشتن چادر انتخاب کرده بود خیلی از دختران آن دهه را به سمت چادری شدن و حتی مدل مریم افشاری چادر سرکردن متمایل کرده بود. سال‌ها بعد

منیر قیدی با «شیار ۱۴۳» اثر نرگس آبیاری «طلا و مس» ساخته بهروز شعبانی و دیگر آثاری از این دست چشم پوشی کرد که در بازنمایی شخصیت زنان چادری داستان بسیار موفق بوده‌اند. همین‌طور که در جامعه پیرامون خود می‌بینیم زنان به عنوان کنشگران اجتماعی و در مشاغل و سطوح مختلف علمی و طبقه اجتماعی چادر را به عنوان حجاب برتر برگزیده‌اند، در سینما نیز نباید زنان چادری داستان محدود به سینمای مقاومت یا سینمای دینی و مذهبی باشند. واکاوی و تأمل و گفت‌وگو فرهنگی و نقد در تأثیر آنچه به عنوان الگو در سینما و تلویزیون ارائه شده است می‌تواند در این حوزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.



شهربانو

شنبه
۱۷ دی ۱۴۰۱
۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴
شماره ۲۸۵۶

(۸)

ضمیمه روزنامه شهرآرا

صاحب‌امتیاز:

شهرداری مشهد

مدیرمسئول:

سیدمیتهم موسوی مهر

سرمدیر:

سید سجاد طلوع هاشمی

دبیرضامین:

ارژنگ حاتمی

مسئول‌ضمیمه:

حمیده وحیدی

روشنا

ملیحه جهانبخش
خبرنگار